

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین سعیدی

۱۹ اپریل ۲۰۱۴

## آداب جنازه

۹

انتظار کشیدن غرض سؤال و جواب متوفی در قبر:

در بسیاری از اوقات دیده شده است که نزدیکان متوفی بعد از دفن میت به مدت یک و الی دو ساعت نزدیک قبر متوفی خاموش می نشینند ، و با خود می گویند که حضور ما در نزدیک قبر سؤال جواب ملکین (منکر و نکیر) برای میت را آسان خواهد ساخت .

در مورد همچو اعتقادات باید با تمام صراحت گفت که در نصوص شرعی چنین چیزی وجود ندارد. اما آنچه که از رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت است، این است که بعد از دفن، برای میت دعای استقامت و استغفار به عمل می آید و از کسانی که در تدفین جنازه اشتراک نموده باشند نیز تقاضا به عمل می آید تا برای میت دعای ثبات، استقامت و استغفار به عمل آرند .

در حدیث عثمان بن عفان رضی الله عنه آمده است که: «كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا فَرَغَ مِنْ دَفْنِ الْمَيِّتِ وَقَفَ عَلَيْهِ فَقَالَ اسْتَغْفِرُوا لِأَخِيكُمْ وَسَلُّوا لَهُ بِالتَّنْبِيْتِ فَإِنَّهُ الْآنَ يَسْأَلُ». ابوداود (۷۰/۲) ، حاکم (۳۷۰/۱) و بیهقی (۵۶/۴). یعنی:

رسول الله صلی الله علیه وسلم ، هرگاه از دفن میت فارغ می شد در کنار قبرش می ایستاد و می فرمود: برای برادران طلب آمرزش کنید و برای او از خداوند تقاضای استقامت نمائید. چرا که اکنون مورد بازخواست قرار می گیرد.

و این دعا ها که برای استقامت و تثبیت برای میت در وقت دفن و بعد از آن به عمل می آید عبارت است از : «اللهم ثبته عند سؤال الملكین». یعنی: «بارالها! او را در پاسخ دادن به سوالات دو ملائکه (منکر و نکیر) ثابت قدم و استوار بگردان».

فریاد قبر :

حضرت ابو هریره (رض) روایت می کند : روزی همراه آن حضرت صلی الله علیه وسلم در تشییع جنازه ای شرکت نمودیم . وقتی به قبر ستان رسیدیم ، آن حضرت صلی الله علیه وسلم نزدیک قبری تشریف بردند و فرمودند: قبر هر روز با کلمات فصیح و صدائی آشکار چنین می گوید :

ای فرزند آدم! تو مرا فراموش کردی، من خانه تنهائی، منزل بیگانگان، آشیانه وحشت، لانه کرمها و خانه تنگی هستم ولی نه برای کسی که خداوند مرا برایش وسیع گردانیده است. سپس آن حضرت فرمودند: قبر باغی از باغهای بهشت، یا چاهی از چاهی دوزخ است.

### نشراعلان فوتی دروسایل اطلاعات جمعی :

اعلان فوتی که به شکلی که شبیه نعی (اعلام خیر وفات کسی در بین مردم از مناره ها و جای های بلند) است در شرع اسلام ممنوع بوده و جایز نمی باشد، اما نشر و مطلع گردانیدن دوستان و اقارب و آشنایان از (از مرگ او) و دعوت از آنان غرض اشتراک در نماز جنازه و حضور برای تشییع جنازه در شرع اسلامی جایز و شامل نعی ممنوعه نمی باشد، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم وقتی نجاشی فوت کرد مسلمانان را از مرگ او باخبر نمود و بر وی نماز جنازه خواند. (فتاوی اللجنة الدائمة (۱۴۲/۹). شیخ عبد العزیز بن باز، شیخ عبد الله بن غدیان، شیخ عبد الله بن قعود).

پیامبر صلی الله علیه وسلم از نعی نهی فرمودند، چنان که از بلال بن یحیی روایت است که گفت: «كَانَ حُدَيْفَةُ إِذَا مَاتَ لَهُ الْمَيِّتُ قَالَ لَا تُؤَدُّوْا بِهِ أَحَدًا إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَكُونَ نَعِيًّا إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِأُذُنِي هَاتَيْنِ يَنْهَى عَنِ النَّعِيِّ» ابن ماجه (۱۴۷۶).

یعنی: حذیفه بن یمان هرگاه کسی از نزدیکانش فوت می کرد، می گفت: مرگش را به کسی اعلام نکنید، می ترسم که این کار، نعی به حساب آید، زیرا من از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که از نعی، منع می فرمود. علامه البانی در «کتاب الجنایز» گفته: ترمذی و ابن ماجه و بیهقی و احمد با سند حسن روایت کرده اند. در مورد جایز بودن یا نبودن اعلان فوتی در وسایل اطلاعات جمعی، لازمست به اهداف این کار دقت کنیم؛ دو هدف را می توان برای اینکار در نظر گرفت:

اول: با اعلام خبر مرگ شخصی و آگاه نمودن اقارب و خویشاوندان و آشنایان میت و یا سایر مسلمانان سعی می شود مسلمانان برای تجهیز و تدفین و مهمتر از همه نماز خواندن بر آن، جمع شوند، و این اطلاع رسانی قبل از تدفین میت است.

دوم: هدف این باشد تا مردم در مجالس ترحیم و سوگواری شخص میت حضور یابند.

آنچه که شرع بدان اجازه داده است، مورد اولی است. یعنی اعلام خبر مرگ شخصی بین آشنایان و اقارب جهت اجتماع برای نماز بر میت و تشییع جنازه است.

علمای هیأت دائمی افتاء گفتند:

«خبر دادن (از مرگ میت) در بین اقارب و آشنایان متوفی برای آن که در نماز جنازه حضور یابند و همینطور برای تشییع جنازه وی، این شامل نعی ممنوعه نیست، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم وقتی نجاشی فوت کرد مسلمانان را از مرگ او باخبر نمود و بر وی نماز خواند».

اما اعلام خبر برای حضور مردم در مجالس ترحیم ناجایز است، دلیل این تفاوت را می توان به جمع بین احادیثی در مورد نعی پیامبر صلی الله علیه وسلم از اعلام خبر مرگ، و عمل پیامبر در خیر دادن فوت نجاشی به بقیه صحابه جهت جمع شدن برای خواندن نماز بر وی جنازه دانست.

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَعَى النَّجَاشِيَّ فِي الْيَوْمِ الَّذِي مَاتَ فِيهِ خَرَجَ إِلَى الْمُصَلَّى، فَصَفَّ بِهِمْ وَكَبَّرَ أَرْبَعًا» بخاری (۱۲۴۵) و مسلم (۹۵۱).

یعنی: رسول الله صلی الله علیه وسلم خبر مرگ نجاشی (پادشاه حبشه) را که در سرزمین حبشه فوت کرده بود، اعلام نمود و به مصلی رفت و مسلمانان صف بستند و ایشان چهار تکبیر گفت.

این که پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر مرگ نجاشی را در میان صحابه اعلام نمودند تا صحابه جمع شوند و از دور نماز جنازه بخوانند، علمای بزرگوار چنین نتیجه گرفته اند که اعلام خبر فوت - فقط - برای جمع شدن مسلمانان جهت غسل دادن میت و تکفین و تدفین و نماز خواندن بر وی، جایز است.

از جمله علمائی که این مورد را ذکر نموده اند: امام نووی رحمه الله در «المجموع» (۵/۱۷۴)، حافظ بن حجر عسقلانی رحمه الله در «فتح الباری» (۳/۱۴۰)، و شیخ ابن عثیمین رحمه الله در مجموع الفتاوی خود؛ کتاب الجنایز.

شیخ ابن عثیمین در مورد حکم تعزیه به وسیله روزنامه ها می نویسد:

«این جزو همان نعی ممنوعه است که پیامبر صلی الله علیه وسلم از آن نهی کردند، زیرا هدف از آن؛ شناساندن و اعلان مرده شان است، و این جزو نعی نهی شده است».

اودر مورد این که «حکم تعزیه به وسیله جراید چیست؟ و آیا این جزو نعی نهی شده می شود یا خیر؟

می نویسد: «آنچه بر من ظاهر شده؛ اعلان خبر مرگ بعد از وفات انسان و تعزیه در جراید جزو نعی نهی شده است، اما اگر قبل از آن که بر میت نماز خوانده شود خبر مرگ به خاطر نماز (جنازه) اعلان شود ایرادی در آن نیست، همانگونه که پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر مرگ نجاشی را وقتی فوت نمود اعلام کرد، و صحابه را امر کرد تا به مصلی بروند و با آنها نماز خواند، اما بعد از مرگ دیگر نیازی به اطلاع رسانی نیست، زیرا او دیگر مرده و تمام شد، پس اعلان مرگ او در جراید جزو نعی نهی شده است» (تفصیل موضوع را می توان در مجموع فتاوی و رسائل " (۳۴۳-۳۴۴/۱۷) را مطالعه فرمود).

#### یادداشت:

منظور از «نعی» یعنی: اعلام خبر وفات کسی در بین مردم، به منظور شرکت آنها در مراسم ترحیم و سوگواری و غیره ...

پیامبر صلی الله علیه وسلم از نعی نهی فرمودند، علامه البانی در «کتاب الجنایز» می گوید: «اعلام فوت شخص از بالای مناره ها و غیره، «نعی» به حساب می آید و از حذیفه بن یمان رضی الله عنه ثابت است که: «إِذَا مَاتَ لَهُ الْمَيِّتُ قَالَ لَا تُؤْذِنُوا بِهِ أَحَدًا إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَكُونَ نَعِيًا إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِأُذُنِي هَاتَيْنِ يَنْهَى عَنِ النَّعِيِّ». یعنی: هرگاه کسی از نزدیکانش فوت می کرد، می گفت: مرگش را به کسی اعلام نکنید، می ترسم که این کار، نعی بحساب آید، زیرا من از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که از نعی، منع می فرمود. ترمذی و ابن ماجه و بیهقی و احمد با سند حسن روایت کرده اند.

#### نعی در لغت:

اعلام خبر مرگ کسی است. بنابراین نعی، هرگونه خبر مرگ را در بر می گیرد، اما احادیث صحیحی وجود دارد که صحت بعضی از اعلام مرگ ها را جایز می داند. علماء می فرمایند: نعیی که از آن منع شده است، آن است که روش دوران جاهلیت باشد، یعنی جیغ کشیدن بر در منازل و بازارها و مراکز تجمع مردم ... اعلام وفات مرگ اگر مانند شیوه های جاهلیت نباشد، جایز است و حتی در برخی موارد که میت کسی را نداشته باشد که کار کفن و دفنش را انجام دهد، واجب می گردد.

ابن حجر می گوید:

(نعی) نوعی رسم جاهلی بود که در بازارها و خیابانها خبر مرگ بعضی از انسانها را اعلام می کردند. بنده (البانی) می گویم: آنچه امروز از بلندگوی مساجد اعلام می شود همان نعی ممنوع است».

### استعمال کلماتی مانند مغفور یا مرحوم برای مرده:

درزیادتر از اعلانات فوتی دیده شده است که میت را به عنوان مغفور و یا مرحوم و مانند این کلمات، و به این که او از بهشتیان است، توصیف می‌کنند و هر کس کوچکترین توجه به امور دینی و عقیده داشته باشد می‌داند که این گونه امور از امور غیبی‌اند، جز خداوند کسی بر آن واقف نیست و طبق عقیده اهل سنت و جماعت نباید برای کسی بر دخول جنت و یا دخول در جهنم شهادت نمود، مگر آن که قرآن بر جهنم و دوزخی بودن شهادت داده باشد: مانند ابی لهب، و یا پیامبر صلی الله علیه وسلم آن شهادت داده باشد: مانند عشره مبشره از یاران خود و شهادت به مغفور و مرحوم فرد نیز همچون شهادت به موارد فوق است، لذا به جای مرحوم و مغفور می‌بایست، غفر الله له، یا رحمة الله، و مانند این کلمات و دعا برای مرده به کار برد.

### استعمال کردن کلمه مٹواہ اخیر:

برخی از مسلمانان عادت دارند که در اعلان های فوتی خویش و یا هم در صحبت های خویش متذکر می شوند (دُنْ فِی مٹواہ الآخر) (در منزل آخر خویش دفن گردید) گفتن این کلمه در شرع اسلامی حرام است، چون گفتن این جمله و مقتضای آن این است که قبر آخرین منزل است برای وی، و این انکار زنده شدن را در بردارد، برای عموم مسلمانان معلوم است که قبر آخرین منزل و مرحله برای مرده نیست، مگر نزد کسانی که باور به قیامت ندارند، به نظر آنان قبر آخرین مرحله میت است.

اما مسلمان آخرین مرحله وی قبر نیست، و یک فرد اعرابی از مردی شنید که با خود می گفت:

«أَلْهَأَكُمُ التَّكَاثُرُ (۱) حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ (۲) (سوره التكاثر: آیات ۱، ۲) افرون طلبی (و تفاخر) شما را به خود مشغول داشته (و از خدا غافل نموده) است\* تا آنجا که به دیدار قبرها رفتید. را می‌خواند و گفت قسم به خدا زائر مقیم نیست. زیرا کسی که زیارت می‌کند می‌رود، پس نیاز به زنده شدن دارد.

### استعمال لفظ شهید:

در دعا در حق میت آمده است:

«اللهم اغفر لحینا ومیتنا وشاهدنا وغایبنا وصغیرنا وکبیرنا وذرکنا وأنتانا اللهم من احییته منا فاحییه علی اسلام ومن توفیته منا فتوفه علی الایمان»

برماست تا بزرگان خویش را مطابق به قواعد وقوانین شرعی غرای محمدی احترام گذاشته، بزرگداشت نموده و به روح شان دعای مغفرت بفرستیم و از پروردگار با عظمت تنما نموده که گناهان شان را عفو و جای شان در جنت باشد. در حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم آمده است که: «به مردگان ناسزا نگوئید زیرا که آنان به نتیجه اعمال شان رسیده اند» (صحیح بخاری حدیث ۱۳۹۳)

لذا خاصه و وجبیه ما مسلمانان است که مرده و متوفای خویش را به القاب نیک یاد نماییم و برایش از درگاه ایزد متعال طلب مغفرت و بخشش شده و خداوند آنان را غریق رحمت خویش سازند.

در مورد این که در شرع اسلامی به چه کسی خطاب شهید و اطلاق شهید می‌گردد و گفته می‌شود و به کی نه؟

موضوعی است قابل بحث و مورد اختلاف علماء و مفسرین اسلام. برای توضیح این حکم و تعریف بهتر و بیشتر از مفهوم مقدس شهید باید به منابع شرع اسلامی مراجعه و در مورد، مطابق فهم اسلامی حل مطلب نماییم:

در حدیثی صحیح از پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد این که به چه کس می‌تواند خطاب شهید نمود، آمده است:

«الشَّهَادَةُ سَبْعُ سِوَى الْقَتْلِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ : الْمَطْعُونُ شَهِيدٌ ، وَالْعَرَقُ شَهِيدٌ ، وَصَاحِبُ ذَاتِ الْجَنْبِ شَهِيدٌ ، وَالْمَبْطُونُ شَهِيدٌ ، وَصَاحِبُ الْحَرِيقِ شَهِيدٌ ، وَالَّذِي يَمُوتُ تَحْتَ الْهَدْمِ شَهِيدٌ ، وَالْمَرْأَةُ تَمُوتُ بِجَمْعِ شَهِيدٍ». ابوداود (۳۱۱۱) و نسائی (۱۸۴۶) و صححه الألبانی فی صحیح أبی داود .

(در روایت فوق به غیر از مجاهدی که در راه الله کشته می‌شود، شهداء را بر هفت دسته و کتکوری تقسیمندی فرموده اند :

از جمله کسی که به مرض طاعون می‌میرد، کسی که در آب غرق می‌شود، کسی که به سینه پهلو می‌میرد، کسی که به درد شکم می‌میرد، کسی که به خاطر سوختن می‌میرد و کسی که در زیر خرابی خانه و منزل و ویرانی می‌میرد و زنی که در هنگام وضع حمل نوزادش می‌میرد).

و فرمودند: «مَنْ قَتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ وَمَنْ قَتِلَ دُونَ أَهْلِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ وَمَنْ قَتِلَ دُونَ دِينِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ وَمَنْ قَتِلَ دُونَ دَمِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ». ابوداود، ترمذی، احمد و نسائی و سند حدیث صحیح است. « هر کس در راه دفاع از مال، ناموس و دین خود کشته شود، شهید است.» و این از فضل خداوند متعال است که علاوه بر مجاهد در راه خدا، این هفت کس را نیز به عنوان شهید حساب کرده است.

البته برخی از علماء ، بنا بر فهمی که از این حدیث می‌گیرند ، تعدادی از امراض را نیز داخل کتکوری لست شهدای هفتگانه نموده و استدلال می‌آورند شخصی که به اثر مریضی سرطان بمیرد، نیز در جمله شهداء محسوب می‌گردد. این عده از علماء استدلال خویش را به این حدیث مستند می‌سازند : «مَنْ مَاتَ مَرِيضًا مَاتَ شَهِيدًا وَوَقِيَ فِتْنَةَ الْقَبْرِ وَغَدَى وَرَبِحَ عَلَيْهِ بِرِزْقِهِ مِنَ الْجَنَّةِ» ابن ماجه (۱۶۱۵). (هرکس بر اثر مریضی بمیرد شهید است، و از فتنه قبر در امان خواهد ماند).

در مقابل تعداد دیگری از علماء به استدلال فوق مخالفت نموده و اساساً این حدیث را اضعیف و مجعول می‌دانند . از جمله:

امام ابن جوزی و علامه شیخ البانی این حدیث را جعلی و ساختگی می‌دانند؛ (مراجعه شود به : السلسلة الضعيفة) (۴۶۶۱).

اما بعضی دیگر از اهل علم با توجه به حدیث صحیح فوق که شهداء را هفت دسته معرفی کرده، می‌فرمایند : «وَالْمَبْطُونُ شَهِيدٌ : کسی است که به درد شکم می‌میرد» گفتند: اگر سرطان مربوط به داخل شکم باشد، او در حکم شهید است و می‌افزایند هدف از : « مبطون: درد شکم » می‌باشد ، بناءً درد شکم عام است و شامل هر کسی که به خاطر دردی از ناحیه شکم بمیرد، در کتکوری شهداء شامل می‌گردند ، و درد شکم خاص به یک درد معین (مثلاً اسهال) نیست.

امام نووی رحمة الله در «شرح صحیح مسلم» می‌فرماید : « مبطون یعنی صاحب درد شکم، که همان اسهال است. اما قاضی عیاض استدلال می‌آورد که مبطون کسی است که دچار استفراغ و نفخ شکم است، و می‌افزاید کسی که به مرض شکم دردی ، و یا شخصی که به اثر درد شکم بمیرد و یا هر دردی دیگری که در ناحیه شکم باشد ، در جمله شهید محسوب می‌گردد»

بنابر همین قول است که تعدادی از علماء مریضی سرطان را که در ناحیه شکم باشند ، شهید می‌شمارند ، و آن را در معنای « مبطون » محسوب می‌دارند.

در سؤالی که از یکی علمای شهیر جهان اسلام به نام « شیخ علامه عبد المحسن عباد » در مورد این که ، کسی که به اثر مرض سرطان در ناحیه شکم بمیرد داخل شهدا می‌گردد یا خیر، در جواب به صورت واضح می‌فرماید:

« نه خیر، زیرا سرطان همیشه در ناحیه شکم رخ نمی دهد، بلکه مریضی سرطان گاهی در غیر شکم هم روی می دهد». ( برای تفصیل مزید : مراجعه شود به شرح سنن اَبی داوود (نوار ۲۳۰)).

پس آن‌عه از مریضانی که به اثر سرطان حنجره می میرند، آنان داخل در معنای « **مبطن** » نیستند و جزو شهید محسوب نمی شود.

#### یادداشت:

قابل یاد آوری است : آن‌عه از کسانی که بر اثر استعمال حرام مانند مخدرات و مشروبات و دخانیات به سرطان (داخل شکم) مبتلا می گردند و می میرند ، حکم بر شهید بودن وی داده نمی شود، زیرا وی بر اثر مواد حرام مرده است، مگر آن که توبه کرده و استعمال آن مخدرات و مشروبات را ترک گفته باشد ولی بعدها بر اثر ضایعات آن دچار سرطان گردد.

#### یادداشت حکمی:

بنابر استدلال فوق حکم شرع همین است : آن‌عه از کسانی که بر اثر مریضی سرطان بمیرند ، آنها را نمی توانیم بگوئیم، مگر آنکه محل سرطان در داخل شکم باشد و البته نص صریحی در این باره نیز وارد نشده، اما بعضی از علماء اجتهاد کردند که سرطان داخل شکم می تواند داخل در معنای « **مبطن** : شکم درد » شود، و امید است که الله متعال چنین کسانی را شهید حساب کند.

در ضمن اگر بالفرض کسی بر اثر مریضی بمیرد و شهید نامیده شود، حکم شهید فی سبیل الله و مقام وی را ندارد، پس به این افراد هم غسل داده می شوند و هم بر آنها نماز خوانده می شود (خلاف شهید در میدان جهاد) و فقط در برخی احکام اخروی با شهیدان در میدان جهاد تشابه دارند.

برخی از علماء به استناد لفظ «**وَالَّذِي يَمُوتُ تَحْتَ الْهَدَمِ شَهِيدٌ**». کسانی که به اثر حادثه ترافیکی می میرند آنان را نیز در جمله شهداء محسوب می نمایند.

و این حکم چه برای کسی که در داخل موتر تصادف می کند و چه کسی که توسط موتر زده شود یکسان است. حتی برخی از علماء اشخاصی را که توسط شارتی برق می میزند، نیز در جمله شهداء به حساب می آورند .

البته علماء در مورد این که آیا تمامی افرادی که در فوق ، به عنوان شهید اطلاق می شوند، نیز از احکام اخروی شبیه شهید در راه خدا برخوردارند یا خیر، چنین قیاسی را صحیح نمی دانند بلکه گفته اند آن‌عه از افرادی که به غیر از شهادت در میدان جهاد می میرند و حکم شهید را دارند در دنیا هم غسل داده می شوند و هم بر آنها نماز خوانده می شود (خلاف شهید در جهاد) و فقط در برخی احکام اخروی با شهیدان در میدان جهاد تشابه دارند.

علامه ابن باز رحمة الله می گوید: «.. افضل شهداء؛ شهدای فی سبیل الله هستند، یعنی همان کسانی که در راه خداوند با کفار می جنگند و آنها افضل شهداء هستند، که نیازی به غسل آنها نیست و بر آنها نماز خوانده نمی شود، زیرا آنها زندگانی هستند که نزد خداوند رزق می گیرند و اما دیگر شهداء غیر از شهدای فی سبیل الله مانند کسی که بر اثر درد شکم و یا طاعون بمیرد و کسی که زیر آوار بمیرد و کسی که غرق می شود، این دسته (خلاف شهدای فی سبیل الله) می باشند ، هم غسل داده می شوند و هم بر آنها نماز خوانده می شود و کسی که بر اثر حوادث ترافیکی می میرند نیز به این گروه ملحق می شود، زیرا او شبیه کسی است که در زیر آوار می میرد و امید است که به عنوان شهادت محسوب شوند، باید برای آنان غسل داده شوند و بر آنها نماز جنازه خوانده شود، همانند کسی که بر اثر درد شکم و غرق شدن می میرد». (برای مزید معلومات مراجعه شود به فتاوی نور علی الدرب) (۱۴۲۶/۳).

## آیا جایز است بگوئیم « فلانی شهید است »؟

پروردگار با عظمت ما در ( آیت ۳۶ سورة الاسراء ) می فرماید:

« وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولاً » (و از چیزی که بدان علم نداری (در مرحله اعتقاد و گفتار و عمل) پیروی مکن، زیرا گوش و چشم و قلب، هر يك مورد سؤال قرار خواهند گرفت (از انسان درباره کارهای آنها و از آنها درباره کارهای خودشان می پرسند) واقعاً چه زیبا فرموده است که انسان در مورد چیزی که از آن علم و آگاهی ندارد، نباید از آن پیروی کند بلکه غرض احتیاط از گفتن در مورد چیزی که علم ندارند خود را نگاه دارند. چرا که زبان، قلب، گوش، دست، بینی و قلم در روز اخراست جواب گوی اعمال و کردار خویش می باشند.

عالم و مفتی شهیر جهان اسلام علامه شیخ ابن عثیمین طی فتوائی می فرماید:

«جایز نیست که به صورت عینی بگوئیم فلانی شهید است، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يَكُلَّمُ أَحَدٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَنْ يَكُلَّمُ فِي سَبِيلِهِ إِلَّا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّوْنُ لَوْنُ الدَّمِ وَالرَّيْحُ رِيحُ الْمَسْكَ»، (سوگند به آن ذاتی که جانم در دست اوست هیچ کس در راه الله زخمی نمی شود مگر آن که در روز قیامت با همان زخم می آید در حالی که رنگ، رنگ خون است و بو، بوی مشک، و الله تعالی بهتر می داند چه کسی در راه او زخمی می شود). بخاری (۲۸۰۳).

(در این حدیث، پیامبر صلی الله علیه وسلم) علم آن را به الله متعال نسبت داده است و اگر اینگونه است پس جایز نیست که برای شخصی شهادت و گواهی دهیم به این که او شهید است؛ زیرا اگر ما گواهی دهیم که او شهید است در واقع گواهی دادیم به این که او به بهشت می رود، حال آن که از جمله اصول اهل سنت و جماعت آنست که به جنتی بودن احدی گواهی نمی دهیم مگر آنکسی را که رسول خدا صلی الله علیه وسلم به جنتی بودنش شهادت داده باشد. و بر این مبنا می گوئیم: امید است که فلانی جزو شهداء باشد و همین (جمله در حق وی) کافیست، زیرا اگر واقعاً نزد الله متعال شهید باشد پس واقعاً شهید است چه ما به او شهید بگوئیم یا نگوئیم، و اگر هم نزد خدا شهید نباشد پس جزو شهداء محسوب نمی شود هر چند که ما وی را شهید بنامیم».

(برای معلومات مزید مراجعه شود: به مجموع فتاوی و رسائل فضیلة الشيخ محمد بن صالح العثیمین" (۳۸۷/۲۵).) برای تفصیل موضوع مراجعه شود به: کتاب (مختصر الأسئلة والأجوبة على العقيدة الواسطية)، ضبط شرحی الهراس و ابن عثیمین للعقيدة الواسطية بالسؤال والجواب، تهیه و تنظیم: مضحی بن عبید معثم شمري سایت جامع فتاوی اهل سنت و جماعت).

## مراسم عزای سوگواری :

در خانه ای که غم باشد به طرف ایشان تا سه روز برای تعزیت رفتن مستحب است، برای متعلقین مرده تسلی دادن، بیان فضایل و بیان کردن این ثواب عظیم الشان و رغبت بر صبر کردن و طلب دعای مغفرت برای مرده کار نیک و عمل اسلامی به شمار می رود. رفتن به خانه متوفی و اظهار غم شریکی را در اصطلاح شرع تعزیت گویند، ولی نباید فراموش کرد که بعد از سه روز تعزیت کردن مکروه تنزیهی می باشد لیکن اگر بازماندگان متوفی و یا به اصطلاح شخصی که برایش تعزیت داده می شود، اگر در سفر باشد و بعد از سه روز به خانه تشریف بیاورد، می توان بعد از سه روز هم نزد اقارب رفته و مراسم تسلیت و تعزیت را به جای آورد.

در همه این احوال در جنب این که یک مسلمان مراسم تعزیت را به جای می آورد ، فراموش نباید کرد که بازماندگان متوفی را به صبر و شکیبائی و راضی بودن به قضاء و قدر خداوندی ترغیب می نماید.

### تعزیه و همدردی:

تعزیه لغت عربی بوده و از لحاظ لغوی به معنای اظهار همدردی ، سوگواری و تسلیت است . ویا به عبارت دیگر تعزیت ، عزاداری کردن، تسلیت دادن برای بازماندگان متوفا وگفتن تسلیت به ایشان . تعزیت برای تسکین آلام و دردهای فرد مصیبت دیده و فرونشاندن ترس و هراس فرد و آرام ساختن اندوه و بی قراری وی می باشد.

پیامبر صلی الله علیه و سلم می فرماید: « **من عَزَى مَصَابًا فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ** » یعنی: «آن که مصیبت دیده ای را تعزیت گوید پاداشی به اندازه او برای اوست.» (ترمذی و ابن ماجه).  
اصطلاح تعزیه در افغانستان به نام « **مراسم فاتحه خوانی ویا فاتحه**» معروف می باشد که البته توأم با گفتن فاتحه مردانه و زنانه تقسیم می شود»

همانطوری که گفتیم تعزیت و تسلیت گفتن پس از کفن و دفن میت به همه اعضای خانواده میت خواه بزرگ باشند ویا کوچک عمل مستحب است؛ زیرا رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده اند:  
« هر مسلمانی که به هنگام مصیبتی به برادر مسلمان خود تسلیت بگوید، روز قیامت خداوند لباس کرامت را بر تن او می پوشاند.» (خارج ابن ماجه).

### یادداشت ضروری:

لازم به یادآوری است که به روایت زاد المعاد ج ۱ ص ۵۰۸، ترتیب مراسم برای تعزیه و جمع شدن خانواده میت و سایر دوستان میت برای مراسم تعزیه، تسلیت و یا به اصطلاح مراسم فاتحه و قرائت قرآن آنهم توسط چند نفر قاری و در ظرف یک یا دو ساعت، بدعت بوده و هیچ اصلی در دین مقدس اسلام ندارد . « (برای معلوماتی مزید مراجعه شود : زاد المعاد ج ۱ ص ۵۰۸ ).

### آداب تعزیت:

تعزیت و همدردی دارای آداب خاص خود بوده ، که بر هر مسلمان لازم است آن را رعایت بدارد :

### مشارکت:

به محض این که فرد از مرگ کسی از نزدیکان، همسایگان یا دوستان خویش اطلاع حاصل نماید ، بر او واجب است که به دیدار خانواده و دوستان و آشنایان متوفی برای تعزیت گفتن و شرکت نمودن در تشییع جنازه برود. تا مطابق عمل پیامبر صلی الله علیه و سلم عمل نماید که فرموده است:

(حق المسلم على المسلم خمس: رد السلام، وعبادة المريض، واتباع الجنائز، وإجابة الدعوة، وتشميت العاطس) یعنی:  
«حق مسلمان بر مسلمان پنج چیز است: جواب سلام، عیادت مریض، رفتن بدنبال جنازه، قبول کردن دعوت، دعا برای عطسه زنده.» (متفق علیه).

### الفاظ تسلیت و تعزیت:



در تسلیت گفتن لفظ مشخصی وجود ندارد، بلکه هر لفظی که دلالت بر تسلی و دلداری دادن و سفارش به صبر کند، گفتن آن پسندیده است، هر چند افضل آنست که با الفاظ وارده از پیامبر صلی الله علیه وسلم تسلیت گفته شود.

الفاظی که باید به شخصی و یا خانواده شخص غم دیده و سوگوار گفته شود عبارت است از:

البقاء لله . یعنی: «تنها خداست که می ماند.»

و یا: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ اللَّهُمَّ أَجْرِي فِي مُصِيبَتِي وَأَخْلِفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا». (ما از آن خدائیم و به سوی او بازمی

گردیم. پروردگارا! در برابر این مصیبت، به من اجر بده و بهتر از آن را نصیب فرما). (مسلم)

و یا «إِنَّ لِلَّهِ مَا أَخَذَ، وَلَهُ مَا أُعْطِيَ، وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِأَجَلٍ مُّسَمًّى، فَلْتَصْبِرْ وَلْتَحْتَسِبْ»

یعنی: «آنچه را خداوند گرفت از آن خودش بود و آنچه داده است مال خود اوست. مسلماً هر چیزی نزد او دارای

تقدیری است، لذا باید صبر کرد و امید به ثواب داشت.» (بخاری و مسلم)

یا این دعا را بخواند: «أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَكَ، وَأَحْسَنُ عَزَاكَ وَغَفَرَ لِمَيْتِكَ.»

«خداوند پاداش تان را زیاد نماید و عزایت را نیکو بگرداند و مرده ات را مورد مغفرت قرار دهد.»

و در کشور ما معمول است که برای شخصی و یا خانواده ای که برایشان فاتحه داده می شود گفته شود:

پروردگارشما را دیگر از غم نگاه کند ، این غم ، غم اخیر شما باشد ، اولاد و خانواده شما را الله تعالی زنده داشته باشد ،

متوفی را پروردگار غریق رحمت سازد ، قبرشان را الله روضه جنت ساخته ، جنت برین نصیبش گردد ، ما خود را در

این غم شریک می دانیم ، برای شما و اعضای خانواده شما صبر جمیل تمنا داریم .

در حدیثی از اسامه بن زید رضی الله عنه روایت است که گفت : «أُرْسِلَتْ ابْنَةُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَيْهِ: إِنَّ ابْنًا لِي

قُبِضَ فَاتِنَا، فَأَرْسَلْتُ يَقْرَأُ السَّلَامَ، وَيَقُولُ: «إِنَّ لِلَّهِ مَا أَخَذَ وَلَهُ مَا أُعْطِيَ، وَكُلُّ عِنْدَهُ بِأَجَلٍ مُّسَمًّى، فَلْتَصْبِرْ وَلْتَحْتَسِبْ».

بخاری (۱۲۸۴) و مسلم (۹۲۳).

یعنی : طفل یکی از دختران رسول الله صلی الله علیه وسلم (زینب) در سكرات موت، به سر می برد. وی قاصدی نزد

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرستاد و از او خواست تا بیاید.

رسول الله صلی الله علیه وسلم به قاصد گفت: سلام مرا به دخترم برسان و به او بگو: «هر چه را که خداوند می دهد و

می گیرد متعلق به خودش است و هر چیز نزد او مدت مشخصی دارد پس باید صبر پیشه کنی تا - به خاطر صبر - اجر

و پاداش داشته باشی.»

پس مثلاً به فرد مصیبت دیده می توان گفت: «صبر داشته باش تا پاداش به تو برسد زیرا آنچه که خدا از تو گرفته و

آنچه مالک آن هستی متعلق به خودش است.»

شیخ ابن عثیمین رحمه الله می گوید:

«اگر به غیر از آن الفاظ ، از الفاظ دیگری مانند : «خداوند بهت اجر دهد و تو را توفیق صبر دهد» و یا مشابه آنها

استفاده شود ایرادی ندارد.» (مجموع الفتاوی شیخ عثیمین کتاب الجنایز ص ۳۴۶ سوال ۳۰۷).

### الفاظ جوابیه:

برای شخص عزادار که به او تسلیت گفته می شود، چیزی در سنت وارد نشده که با آن به تعزیه کنندگان پاسخ دهد، ولی

می تواند از الفاظ و عبارات پسندیده ای استفاده کند، مثلاً در جواب بگوید: «جزاک الله خیراً : خداوند به شما جزای

خیر دهد» و یا : «خداوند دعایت را قبول کند» و مانند اینها ..

شخص مصیبت دیده باید درمقابل آمین گفته و به فرد تعزیه کننده می گوید: (أجرك الله) یعنی: «الله برای این عملت

پاداشت دهد.» از ابراز تسلیت شما سپاسگزار هستیم ، و خداند شما ر اهم از غم نگاه کند ، وغیره ...

در (حاشیة البیجرمی) (۳۰۷/۲) آمده : «برای شخص عزادار که به او تسلیت گفته می شود، شایسته است به تسلیت جواب دهد با الفاظی مانند : جزاک الله خیراً».

امام ابن قدامه از امام احمد نقل کرده که او به کسی که از وی تعزیه کرده بود، گفت: « استجاب الله دعاک ورحمنا وایاک : خداوند دعایت را اجابت کند، و به ما و شما رحم کند». «المغنی» (۲۱۲/۲) .

از جناب علامه ابن عثیمین سؤال شد :

ادعیة ماثوره در تعزیه (تسلیت گوئی) کدامند؟ و با چه لفظی پاسخ داده شود؟ جواب فرمودند : «بهترین لفظ تسلیت همانست که پیامبر صلی الله علیه وسلم به یکی از دخترانش فرمود : « هر چه را که خداوند می دهد و می گیرد متعلق به خودش است و هر چیز نزد او مدت مشخصی دارد پس صبر پیشه کن و امید ثواب داشته باش»، این بهترین لفظ است و شخص عزادار در پاسخ بگوید : خدا از شما بیذیرد، و ما را بر تحمل و صبر یاری دهد». «مجموع فتاوی ابن عثیمین» (۳۵۹/۱۷) .

ادامه دارد